

پاسخنامه تشریحی

۱

الف) الحَنِيف = المُوَحِّد

ب) الصِّرَاع ≠ السَّلَم

۲

ب) الطَّيْنَةُ

۳

الف

سرود

۴

الف

نیرنگ (مکر، فریب)

۵

الف

الأقوام

۶

الف

کشمکش

۷

الف

نگهداری می‌کرد.

۸

۱- أَلْفَاس

۲- أَلْضَنَم

۳- الْكَتِف

۴- أَلْحَنِيف

۵- بَدَّوْا يَتَهَامَسُونَ

۹

الف

نمی‌خورد / نخورانید

ب

ای کاش / خاک

۱۰

الف

سیرة: روش و کردار، سرگذشت

۱۱

الف

بخت، شانس، بهره

۱۲

الف

السُّدَى

۱۳

د) الحظوظ: بهره‌ها (اللحوم: گوشت‌ها / العظام: استخوان‌ها / الاعین: چشم‌ها)

۱۴

الف) خطأ

۱۵

الف) مراسم

۱۶

الف) پشت به پشت (صف بسته) / پیکار می کنند

۱۷ مترادفها: أَعَانَ = نَصَرَ (یاری کرد) / سَوَّى = إِلَّا (به غیر از) / سَعَى = حَاوَلَ (تلاش کرد)

متضادها: قَلَّ ≠ إِزْدَادَ (کم کرد ≠ زیاد کرد) / الْقَدِيمُ ≠ الْحَدِيثُ (قدیم ≠ جدید)

۱۸ «يَحْسَبُ = يَظُنُّ»

«سُدَى = عَبَثًا»

«الشَّعْبُ = النَّاسُ»

«الْخَيْرُ ≠ الشَّرُّ»

«أَفْضَلُ ≠ أَسْوَأُ»

۱۹

الف) الف) می پخت ب) پخته می شود

ب) الف) موفق می شوم ب) موفق خواهید شد

پ) الف) یاد بگیرد ب) یاد نخواهد گرفت

ت) الف) هم نشینی نمی کنند ب) باید همنشینی کنند

۲۰

الف) ۱

ب) ۲

پ) ۲

۲۱

الف) أُولَى

ب) مَشْهَد

پ) الْمُرْسَلِينَ

ت) الْفَلَاحُونَ

ث) مُرْعَب

۲۲

الف) تأکیدی

ب) هم نشیطونَ

پ) الطُّلاب

ت) قاسماً

۲۳

الف) سور

ب) الْكِسَاء

ج) عاصِمَة

د) الْمُفْتَرِس

معانی واژگان:

المُفْتَرِس: درنده

عاصمة: پایتخت

الوعاء: ظرف

اللَّيْم: فرومایه

الكساء: لباس

سور: دیوار

ترجمه عبارت‌ها:

الف) با وجود ساخت دیواری بزرگ اطراف شهر، دشمنان حمله کردند.

ب) پایت را به اندازه لباسی که پوشیده‌ای دراز کن (پایت را اندازه گلیمت دراز کن).

ج) بغداد پایتخت عراق است.

د) آن حیوان درنده شکار را دنبال می‌کند.

(صفحه ۵۸، ۱۵ و ۶۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) سور

ب) الْكِسَاء

ج) عاصِمَة

د) الْمُفْتَرِس

(هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۲۴

الف) طَيْبَة ب) النُّحَاس ج) لَجَأً د) الشَّعَائِر

ترجمه عبارت‌ها:

الف) انسان از تکه گلی آفریده شده است.

ب) تابلوی ساخته‌شده از مس در موزه مرا به شگفت آورد.

ج) گردشگر برای فرار از حیوانات درنده به غاری پناه برد.

د) خانواده‌ام در مراسم مذهبی ماه محرم شرکت می‌کنند.

السَّيْرَة: روش و کردار - کونوا: باشید

(صفحه ۲۰، ۱۱، ۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) طَيْبَة: تکه گلی ب) النُّحَاس: مس ج) لَجَأً: پناه برد د) الشَّعَائِر: رسوم

هر مورد (۲۵/۰ نمره) دارد.

۲۵

الف) صحیح

ب) صحیح

ج) صحیح

د) خطأ

ترجمه و مفهوم جمله‌ها:

الف) دین در وجود انسان به صورت فطری و ذاتی وجود دارد. ✓

ب) کسی که به پیمان پایبند نیست، دینی ندارد. ✓

- (ج) یکتاپرست کسی است که جز خداوند یکتا را نمی‌پرستد. ✓
 (د) خداوند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند، رحم می‌کند. X
 (صفحه ۲ تا ۹ کتاب درسی)
 راهنمای تصحیح:

الف) صحیح	ب) صحیح
ج) صحیح	د) خطأ

هر مورد (۵/۲۵ نمره)

۲۶ الف) الْقُرْبَان

ب) الْأَصْنَام

القربان: قربانی‌ها

الصَّئِم: بت

(صفحه ۲ و ۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) الْقُرْبَان ب) الْأَصْنَام

هر مورد (۵/۲۵ نمره)

۲۷

الف) لَأَنَّ رِيحاً شَدِيدَةً عَصَفَتْ.

ب) شَاهَدْتُ مَشْهَدَ سُقُوطِ عُشِّ الطَّائِرِ مَعَ فِرَاحِهِ.

پ) واحداً واحداً.

ت) ۱

۲۸

الف) أَنْقَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ (ع) بِسَبَبِ صَبْرِهِ أَمَامَ قَوْمِهِ.

ب) ذَهَبَ فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ إِلَى الْمَعْبَدِ.

پ) كَانَ هَدَفُ إِرْسَالِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) إِنْقَاذَ الْبَشَرِ.

ت) ۱

۲۹

الف) عِنْدَمَا رَجَعُوا إِلَى الْمَدِينَةِ.	ب) خَرَجُوا لِيُشَارِكُوا فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ.
ج) إِبْرَاهِيمَ (ع)	د) سَأَلُوا: «أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا؟»

ترجمه متن: در زمان قدیم و در زمان ابراهیم (ع)، قومش برای شرکت در یکی از اعیاد از شهر خارج شدند و هنگامی که برگشتند، بت‌ها شکسته شده بودند. از ابراهیم (ع) پرسیدند:

«آیا تو این کار را کردی؟» پس به آنان پاسخ داد: «چرا از من می‌پرسید، از بت بزرگ بپرسید.»

ترجمه پرسش‌ها و پاسخ‌ها:

(الف) قوم چه وقت بت‌های شکسته‌شده را دیدند؟ هنگامی که به شهر بازگشتند.

(ب) چرا قوم از شهر خارج شدند؟ برای اینکه در یکی از جشن‌ها شرکت کنند.

(ج) چه کسی گفت: «چرا از من می‌پرسید؟»؟ ابراهیم (ع)

(د) قوم از ابراهیم (ع) چه سوالی کردند؟ پرسیدند: «آیا تو این کار را کردی؟»

(صفحه ۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

هر مورد (۲۵/۵ نمره)

(ب) خَرَجُوا لِيُشَارِكُوا فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ.

(د) سَأَلُوا: «أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا؟»

(الف) عِنْدَمَا رَجَعُوا إِلَى الْمَدِينَةِ.

(ج) إِبْرَاهِيمَ (ع)

۳۰

الف الباطِل = مفعول / الحَقُّ = مضاف اليه

۳۱

الف أَكْبَرُ

ب الْعَلَامَةُ

۳۲

الف تَوَكَّدُ

۳۳

الف (الف) سؤال می‌کنید؟ (ب) سؤال شد

۳۴

الف فاعل، مفعول

۳۵

الف فاعل - جار و مجرور

۳۶

الف

جَلَسْنَا: نشستیم	لَا تَجْلِسُوا: ننشینید
الْجَالِسِ: نشسته	الْجَالِسِينَ: بنشینید

ب

أَجْلَسَ: بنشان	لَا تُجْلِسِي: نشان
لَمْ يُجْلِسُوا: نشان‌دند	سُيُجْلَسُ: خواهد نشان

۳۷

اسم الفاعل: الْفَاخِر، ثَابِت / أَلْفَعْلُ الْمَجْهُول: خُلِقُوا / الْجَارُّ وَ الْمَجْرُور: بِالنَّسَبِ، لِأُمِّ، لِأَبٍ، مِنْ فَضَّةٍ، مِنْ طَيْتَةٍ، لِعَقْلِ / الصَّفْه و الموصوف: عقل ثَابِت

۳۸

الكلْبُ	سماع	صوت
مبتدا	جارو مجرور	مضاف اليه

۳۹

الف) تَتَّبِعُ: تعقيب می کند ب) اجْعَلْ: قرار بده ج) سُئِلَ: سؤال شد د) لَاتَسْبُوا: ناسزا نگویند

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

الف) حیوانات درنده، آن شکار را تعقیب می کنند. (تَتَّبِعُ فعل مضارع در ابتدای جمله و قبل از فاعل جمع مؤنث، به صورت مفرد مؤنث آمده است.)

ب) پروردگار! موفقیت را بخت و اقبال من قرار بده. (اجْعَلْ فعل امر، مفرد مذکر مخاطب مناسب «یا رب» است.)

ج) از استاد سؤال سختی پرسیده شد، پس سریع پاسخ داد. («سُئِلَ» فعل ماضی مجهول از نظر معنایی مناسب جمله است «الْأُسْتَاذُ» نائب فاعل و دارای حرکت ضمه است.)

د) به مردم دشنام ندهید که با این کار در میان آنها دشمنی به دست می آورید. (لَاتَسْبُوا: فعل نهی جمع مذکر مخاطب است و چون فعل بعدی جمله در همین صیغه است، آن را انتخاب می کنیم.)

(صفحه ۱۵، ۱۴، ۱۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) تَتَّبِعُ: تعقیب می کند ب) اجْعَلْ: قرار بده ج) سُئِلَ: سؤال شد د) لَاتَسْبُوا: ناسزا نگویند

هر مورد (۲۵، ۲۵ نمره)

۴۰

الف)

آیا انسان گمان می کند که بیهوده رها می شود.

ب)

هر غذایی که نام خدا بر آن برده نشود، هیچ برکتی در آن نیست.

پ)

وقتی که این پرندۀ از فریب دشمن مطمئن می شود، ناگهان پرواز می کند.

ت)

پرندۀ باهوش حیوان درندۀ ای را نزدیک لانه اش می بیند.

۴۱

الف)

آرزو کرد/ کاش

۴۲

الف)

امیدوارم که خدا موفقیت را بهره ام در زندگی قرار دهد.

ب)

ما از (تکه) گلی آفریده شده ایم، پس نباید به دودمانمان (نسب) افتخار کنیم.

۴۳

الف)

همانا از سنت (پیامبر) آن است که شخص با مهمانش تا در خانه برود.

ب)

قرآن کریم از روش (سیره) پیامبران با ما سخن گفت (گفته است).

۴۴

الف)

فرودگاه، راهنما

ب انجام، یاری کن

۴۵

الف هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر اینکه دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.

۴۶

الف نوشته‌ها و نگاره‌ها دلالت می‌کند بر اینکه دین در وجود انسان ذاتی است.

ب خدای من، موفقیت را بخت من در زندگی قرار بده.

پ هیچ خیری در سخنی نیست مگر آن که همراه عمل باشد.

۴۷

الف ای پروردگار ما، آنچه هیچ توانی نسبت به آن نداریم (برای ما نیست)، به ما تحمیل نکن.

ب هنگامی که مردم بت‌های شکسته‌شان را دیدند، ابراهیم (ع) را برای محاکمه آوردند (حاضر کردند).

پ اگر به مردم دشنام دهید، دشمنی میان آنها را به دست می‌آورید.

۴۸

الف ۱

۴۹ گزینه ۲ «درست است زیرا لیت معنای کاش می‌دهد.

۵۰

الف فاعل، جار و مجرور

۵۱

الف مبتدا، مضاف‌إلیه، خبر

۵۲

الف فاعل - مفعول

۵۳

الف موارد گزینه (۱) (کسَر فعل ماضی است، نه امر). درست است.

ب موارد گزینه (۲) درست است. (المعبد معرفه به أل و مجرور به حرف جرّ است).

پاسخنامه تشریحی

۱	الف: الصَّنم ب: القَمَّة ج: العِظام د: نورانی کن
۲	الف) الصَّراع = النَّزاع ب) الأصدقاء ≠ الأعداء
۳	الذِّكْرِيَّات
۴	الأربِعاء
۵	
	الف پرتاب ریگ‌ها
۶	
	الف آرزو داریم
۷	
	الف خراب، خراب‌شده
۸	
	الف خاطرات
۹	الف) سُدًى ب) وَحِيداً
۱۰	
	الف شکارها / زنده
۱۱	الف) الْمُعْطَلَةُ ب) المُجِيب
۱۲	ترجمه جمله‌ها: الف) اِنْشِرَاح: شادمانی اَلْبَسَمَات: لبخندها ب) بُئِيَ: پسرکم قَمَّة: قلّه الف) و سینه را پر از شادمانی و دهانم را پر از لبخند کن. ب) ای پسرکم! تا قلّه کوه بالا نرو. (صفحه ۱۴، ۲۱ کتاب درسی) راهنمای تصحیح: الف) اِنْشِرَاح: شادمانی اَلْبَسَمَات: لبخندها ب) بُئِيَ: پسرکم قَمَّة: قلّه هر ترجمه (۲۵/۰ نمره)
۱۳	الف) اَلْعُجُوز ≠ الشَّابَّ - اَلْم = وَجَع ب) اِنْشِرَاحاً = فَرَح ترجمه عبارت‌ها:

الف) این پیرمرد در پایش احساس درد می‌کند. (صفحه ۱۴ کتاب درسی)

ب) و سینه را از شادی و دهانم را از لیخندها، پر کن. (صفحه ۱۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) الْعُجُوزُ ≠ الشَّابُّ - أَلَمْ = وَجَعَ ب) اِنْشَرَاْهُ = فَرَحَ (هر مورد ۲۵ ره نمره)

۱۴ الدَّمُ: سَائِلُ أَحْمَرُ اللَّوْنِ يَجْرِي فِي أَنْحَاءِ الْجِسْمِ. الْفَأْسُ: وَسِيلَةٌ لِقَطْعِ الْأَشْيَاءِ.

خون: مایعی قرمز رنگ که در بخش‌های مختلف بدن جاری می‌شود. (صفحه ۳ کتاب درسی)

تبر: وسیله‌ای برای قطع کردن چیزها. (صفحه ۲۶ کتاب درسی)

کلمه «الْعَظْمُ» به معنای استخوان، اضافی است.

راهنمای تصحیح:

الدَّمُ: سَائِلُ أَحْمَرُ اللَّوْنِ يَجْرِي فِي أَنْحَاءِ الْجِسْمِ. الْفَأْسُ: وَسِيلَةٌ لِقَطْعِ الْأَشْيَاءِ.

(هر مورد ۲۵ ره نمره)

۱۵

الف) مُزَارِعُ: کشاورز

ب) مُحْتَرَمُ: مورد احترام

ج) أَشْهَرُ: مشهورترین

د) صَبَّارُ: بسیار شکیبا

ه) مَسْجِدُ: مسجد، محل عبادت

و) أَمَّارَةٌ: بسیار دستوردهنده

ز) أَحَقُّ: شایسته‌تر

ح) الْمُتَكَبِّرُ: خودبزرگ‌بین

ترجمه عبارت‌ها:

عمومیت کشاورزی مورد احترام است. او شعر و ادبیات را دوست دارد و مشهورترین شعرهای فارسی را حفظ می‌کند. در مسجد روستا او به‌عنوان مردی بسیار شکیبا شناخته می‌شود.

و) و نفسم را تبرئه نمی‌کنم. بی‌شک نفس بسیار دستوردهنده به بدی است مگر زمانی که پروردگارم رحم کند. قطعاً پروردگارم آمرزنده مهربان است.

ز) او در گرامی‌داشت از من شایسته‌تر است.

ح) حکمت در دل خودبزرگ‌بین، ماندگار نمی‌شود.

(صفحه ۲۵، ۴۸ و ۵۹ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) مُزَارِعُ

ب) مُحْتَرَمُ

ج) أَشْهَرُ

د) صَبَّارُ

ه) مَسْجِدُ

و) بسیار دستوردهنده

ز) شایسته‌تر

ح) خودبزرگ‌بین

(هر مورد ۲۵ ره نمره)

۱۶

الف

۱) نباید بنویسند / ننویسند ۲) نوشته بودند.

۱۷

الف

۱: به یاد نیاوردید.

۲: به یاد خواهیم آورد.

۳: باید به یاد آوَرَد (بیاورد).

۱۸

الف

۱) تعمیر (تعمیر کردن)

۲) تعمیر نکرد (تعمیر نکرده است)

۳) تعمیر می‌کردند

۱۹

الف

۱. رفتار نکن

۲. رفتار می‌کرد

۳. رفتار نمی کنید

۲۰ الف) كَانَ يَتَعَبِدُ: عبادت می کرد (ب) أَذْهَبُ: بروم (ج) أُنِرُ: روشن کن (د) يَنْقُذُ: نجات می دهد (ه) لَا تُغَضِبُ: خشمگین نشو (و) خُذُوا: بگیرید ترجمه و بررسی عبارت ها:

الف) پیامبر (ص) در غار حراء عبادت می کرد. (كان + فعل مضارع ← ماضی استمراری)

ب) ای کاش بار دیگر بروم. (لَيْتَ + فعل مضارع ← مضارع التزامی ترجمه می شود.)

ج) و عقل و قلبم را روشن کن. (فعل امر از «أَنِرْ» ← أُنِرْ)

د) پرنده زندگی بچه هایش را نجات می دهد. (فعل مضارع)

ه) خشمگین نشو، چرا که خشم باعث تباهی است. (لا نهی + مضارع ← فعل نهی)

و) حق را از اهل باطل بگیرید. (فعل امر از «أُخَذْ» در صيغة جمع مذكر مخاطب ← خُذُوا)

(صفحة ۲۰، ۱۸، ۱۵، ۱۴، ۱۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) كَانَ يَتَعَبِدُ: عبادت می کرد (ب) أَذْهَبُ: بروم (ج) أُنِرُ: روشن کن (د) يَنْقُذُ: نجات می دهد (ه) لَا تُغَضِبُ: خشمگین نشو (و) خُذُوا: بگیرید (هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۲۱ الف) سست و غمگین نشوید در حالی که شما بالاترین هستید.

ب) نیرومندترین مردم کسی است که با اقتدار دشمنش را ببخشد.

ج) هیچ گنجی از قناعت بی نیازتر نیست.

د) دوست برادرم ماشینمان را با تراکتور کشید و آن را به تعمیرگاه خودرو برد.

ه) پدربزرگم از مواد قندی، منع شده است.

و) بی شک، آثار قدیمی، به توجه انسان به دین تأکید می کند و بر فطری بودن آن در وجود انسان دلالت می کند.

ز) قوم شروع به پیچ کردند: «بی تردید ابراهیم می خواهد بت هایمان را مسخره کند.»

ح) گفته شده؛ وارد بهشت شو، گفت: ای کاش قومم آنچه را خداوند بر من آمرزید، بدانند.

ط) گروهی را دیدم که ایستاده اند؛ زیرا ماشینشان خراب شده است.

ی) جلوی تلویزیون نشسته بودیم درحالی که مسابقه فوتبال تماشا می کردیم.

ک) پروردگارا! کشورم را از شر اتفاقات حمایت کن.

(صفحة ۲، ۳، ۸، ۱۰، ۱۸، ۲۴، ۲۵ و ۳۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) سست و غمگین نشوید (۲۵/۰ نمره) در حالی که شما بالاترین هستید. (۲۵/۰ نمره)

ب) نیرومندترین مردم کسی است (۲۵/۰ نمره) که با اقتدار دشمنش را ببخشد. (۲۵/۰ نمره)

ج) هیچ گنجی (۲۵/۰ نمره) از قناعت بی نیازتر نیست. (۲۵/۰ نمره)

د) دوست برادرم ماشینمان را (۲۵/۰ نمره) با تراکتور کشید (۲۵/۰ نمره) و آن را به تعمیرگاه خودرو برد. (۲۵/۰ نمره)

ه) پدربزرگم از مواد قندی (۲۵/۰ نمره)، منع شده است. (۲۵/۰ نمره)

و) بی شک، آثار قدیمی، به توجه انسان به دین (۲۵/۰ نمره) تأکید می کند (۲۵/۰ نمره) و بر فطری بودن آن در وجود انسان دلالت می کند (۲۵/۰ نمره).

ز) قوم شروع به پیچ کردند (۲۵/۰ نمره): «بی تردید ابراهیم می خواهد (۲۵/۰ نمره) بت هایمان را مسخره کند (۲۵/۰ نمره).»

ح) گفته شده؛ وارد بهشت شو (۲۵/۰ نمره)، گفت: ای کاش قومم (۲۵/۰ نمره) آنچه را خداوند بر من آمرزید، بدانند (۲۵/۰ نمره).

ط) گروهی را دیدم که ایستاده اند (۲۵/۰ نمره)؛ زیرا ماشینشان خراب شده است (۲۵/۰ نمره).

ی) جلوی تلویزیون نشسته بودیم (۲۵/۰ نمره) درحالی که مسابقه فوتبال تماشا می کردیم (۲۵/۰ نمره).

ک) پروردگارا! کشورم را (۲۵/۰ نمره) از شر اتفاقات حمایت کن (۲۵/۰ نمره).

۲۲ الف) ۱- او خیلی کم مطالعه کرد. / لَمْ يُطَالَعْ: فعل مضارع مجزوم به «لَمْ» که معنای ماضی منفی (مطالعه نکرد) می دهد (مفرد مذکر غایب). در جمله اسلوب حصر به کار رفته است؛ بنابراین به صورت مثبت ترجمه می شود.

۲- بدون نور مطالعه نکن. / لَا تُطَالِعْ: فعل نهی، مفرد مؤنث مخاطب

ب) ۱- شاید آنها زبان انگلیسی را یاد نمی گیرند. / قَدْ لَا يَتَعَلَّمُونَ فعل مضارع منفی همراه با «قد» که معنای «شاید» و «گاهی» می دهد (جمع مذکر غایب).

۲- آیا درس گذشته را یاد گرفتی؟ / تَعَلَّمْتَ: فعل ماضی (مفرد مذکر مخاطب)

ج) ۱- گروهی را برای کمک به مردم بفرستید. / أَرْسِلُوا: أمر (جمع مذکر مخاطب)

۲- پیامبران تنها برای هدایت انسان فرستاده شده‌اند. / ما أَرْسَلْ: ماضی مجهول منفی (فرستاد نشده‌اند) که در جمله به دلیل وجود «أَلَا» مثبت ترجمه می‌شود. (صفحه ۲۸ و ۲۹ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) ۱- مطالعه کرد (در جمله به دلیل وجود «أَلَا» به صورت مثبت ترجمه می‌شود).

۲- مطالعه نکن

ب) ۱- شاید یاد نمی‌گیرند

۲- یاد گرفتی

ج) ۱- بفرستید

۲- فرستاده نشده‌اند. (در جمله به دلیل وجود «أَلَا» به صورت مثبت ترجمه می‌شود).

(هر مورد ۲۵/۰۰ نمره)

۲۳

الف گزینه (۱)

ب گزینه (۲)

۲۴

الف مبتداء، مفعول، صفت

۲۵

الف فَرَحِين

۲۶

الف الْمُطْمَئِنَّةُ: گزینه «۱»

چون «ال» دارد اسم است. / «ة» دارد، پس مفرد مؤنث است. / «ال» دارد معرفه است. / چون ویژگی «النَّفْس» را بیان می‌کند، صفت آن محسوب می‌شود. نکته: «النَّفْس» مؤنث معنوی است (یعنی ظاهر مؤنث ندارد، اما در معنا مؤنث است)، به‌همی منظور «الْمُطْمَئِنَّةُ» که صفت آن است مؤنث می‌باشد.

ب اِرْجَعِي: گزینه «۲»

از ظاهر فعل مشخص است که اول آن «الف» اضافه شده است و آخر آن «مجزوم» است. بنابراین «فعل امر» است. / با توجه به شناسه «ی»، دوم شخص مفرد مؤنث می‌باشد. / فعل «اِرْجَعِي» شناسه «ی» دارد که فاعلش محسوب می‌شود.

۲۷

الف أَكَلْتُ: گزینه «۲» با دَقْتُ به شناسه «ت»، دو مطلب را می‌فهمیم؛ اول اینکه فعل ماضی است، دوم اینکه اول شخص مفرد است. / خبر این فعل از ابواب ثلاثی مزید نیست، بنابراین ثلاثی مجرد است. / برای پیدا کردن فاعل، به بعد از فعل نگاه کنید. آیا اسمی که حرکت آخرش «ـ» باشد، وجود دارد؟ نه نیست؛ پس باید برویم سراغ شناسه فعل که «ت» است که فاعل این فعل می‌باشد.

ب الْأَطْعَمَةُ: گزینه «۱»: با اینکه حرف آخر کلمه «أَطْعَمَ»، «ة» است، ولی مفرد مؤنث نیست و جمع مکسر است و مفرد آن «طعام» است، پس مذکر است و چون «ال» دارد. معرفه هم می‌باشد. / «الْأَطْعَمَةُ» حرکت آخرش «ـ» است، پس به کلمه قبلش نگاه کنید تا علتش را متوجه شوید، «فی» حرف جرّ است، پس «الْأَطْعَمَةُ»، «مجرور به حرف جرّ» است.

پ

مُفِيدَةٌ: گزینه «۲»: تنوین نشان از اسم و نکره بودن است. «ة» نشان دهنده مفرد و مؤنث بودن است و ابتدای «مفیده»، «م» و حرکت حرف ماقبل آخر آن «ـِ» است، بنابراین «اسم فاعل» می باشد. / «مفیده» چون ویژگی «عناصر» را بیان می کند «صفت» آن است. حتماً بعضی از شما می پرسید که این دو اصلاً شبیه هم نیستند، چطور ترکیب وصفی هستند؟! خُب «عناصر» جمع غیر عاقل است، بنابراین صفت آن «مفرد مؤنث» است.

۲۸

الف

فَرَحَةٌ

۲۹

الف

الْعُمَالُ (عامل)

ب

المَصْنَعُ (مصنع)

پ

مَسْرُورِينَ (مسرور)

۳۰

الف

مجزور به حرف جر

۳۱

الف) قَالَ: هَلْ رَأَيْتِ الْغَارَ، يَا أُمَّاه.

ب) الْغَارُ يَمُتُّ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ.

ج) جبال

د) نَظَرَ عَارِفٌ إِلَى أُمِّهِ.

۳۲

الف) قله، عبادت می کرد

ب) ملت ها، هزاران

۳۳

الف

آیا غار ثور را که پیامبر (ص) در راه هجرتش به آن پناه برد را دیدید؟

ب

اعضای خانواده مقابل تلویزیون نشستند در حالی که به حاجیان در فرودگاه نگاه می کردند.

۳۴

الف

هُوَ يَسْكُنُ فِي قَرْيَةٍ بِطُرُودِ بِمُحَافَظَةِ مازندران.

ب

لِأَنَّ سَيَّارَتَهُمْ مُعْطَلَةٌ.

پ

الْقُرَى

ت

السَّيِّدُ مُسْلِمِيٌّ مُزَارِعٌ.

۳۵

الف

۱: إِصْغَرِ ۲: الْمُهَنْدِسَ ۳: السَّيَّارَةَ ۴: الْمَصْنَعِ.

۳۶

الف

۱. یاد کنید

۲. گاهی یاد می کند

۳. یاد نکردید

۳۷

الف أَنْتَ وَحِيدٌ = جملهٔ حالیه

۳۸

الف الْجَرَارَةُ: تراکتور - ماشینی که آن را برای کار در مزرعه به کار می گیریم.

ب العصر: دوره

۳۹

الف أَعْجَبَ (اسم تفضیل)

ب الْعُمَالُ (مفردش العامل: اسم فاعل)

پ مَصْنَعٌ (اسم مکان)

ت مَشْغُولُونَ (اسم مفعول)

۴۰

الف سست نشوید و اندوهگین نشوید در حالی که شما برترید.

ب قوی ترین مردم کسی است که دشمنش را با اقتدار بخشید.

۴۱

الف والد

ب الْمُكْرَمَةُ

پ أُخْرَى

ت الْمَشْهَد

۴۲

الف ۲

۴۳ الحبيب = الصديق الخير ≠ السوء

۴۴ اسْتَبَقُوا: فعل ماض، مزید ثلاثی، باب استفعال، للغائبین
متفائلین: اسم، جمع للمذكر، اسم الفاعل

۴۵

ترجمه و بررسی عبارات:

الف) فیلم جدید را تماشا خواهیم کرد. (سوف نُشاهدُ: مستقبل، متکلم مع الغیر)

ب) مسابقه را از طریق تلویزیون تماشا می کردند. (کانوا يُشاهدون: معادل ماضی استمراری، جمع مذکر غایب)

ج) از خوردن گوشت های قرمز خودداری کن

۱. (اُمْتَنَعِ عَنْ: فعل امر، مفرد مؤنث مخاطب)

(د) مردم باید از دروغ گفتن خودداری کنند. (لِیْمَتْنَعُ: امر غایب، مفرد مذکر غایب)

(ه) پس از سال‌ها ما را به یاد نخواهد آورد. (لَنْ یَتَذَكَّرَ: مستقبل منفی، مفرد مذکر غایب)

(و) او شماره همراه من را به یاد نیاورد. (مَا تَذَكَّرْتُ: ماضی منفی، مفرد مؤنث غایب)

(ز) مدیر جدید چطور با تو رفتار کرد؟ (عَامَلٌ: فعل ماضی، مفرد مذکر غایب)

(ح) با بزرگ‌ترها بد، رفتار نکنید. (لَا تُعَامِلُوا: فعل نهی، جمع مذکر مخاطب)

(صفحه ۲۸ و ۲۹ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

(الف) سَوْفَ نُشَاهِدُ: تماشا خواهیم کرد (ب) کَانُوا یُشَاهِدُونَ: مشاهده می‌کردند

(ج) اُمْتَنَعِ: خودداری کن (د) لِیْمَتْنَعُ: باید خودداری کنند

(ه) لَنْ یَتَذَكَّرَ: به یاد نخواهد آورد (و) مَا تَذَكَّرْتُ: به یاد نیاورد

(ز) عَامَلٌ: رفتار کرد (ح) لَا تُعَامِلُوا: رفتار نکنید

(هر مورد ۲۵/۰۰ نمره)

۴۶

الف

خَائِفًا / سوارکار بعد از حمله شیرها ترسان دور شد.

ب

مُتَأَمِّلًا / مؤمن با امید به رحمت خدا زندگی می‌کند.

۴۷

الف

مردم امتی واحد بودند، پس خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده فرستاد.

۴۸

الف

فَرِحَهُ

۴۹

الف) الْغَارُ: فاعل - مُرْتَفِعٌ: صفت

ب) المصائب: مضاف‌الیه - سَرِيعَةٌ: حال

ج) عَمَى: مبتدا - مُزَارِعٌ: خبر - قَرِیَّةٌ: مجرور بحرف الجر - مَازَنْدَرَان: مضاف‌الیه

ترجمه عبارت‌ها:

الف) غار بالای کوه بلندی قرار دارد. (صفحه ۲۰ کتاب درسی)

ب) هنگام اتفاق افتادن مشکلات، دشمنی به سرعت از بین می‌رود. (صفحه ۲۵ کتاب درسی)

ج) عموم کشاورز است و در روستایی در استان مازندران زندگی می‌کند. (صفحه ۳۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) الْغَارُ: فاعل (۲۵/۰۰ نمره) - مُرْتَفِعٌ: صفت (۲۵/۰۰ نمره)

ب) المصائب: مضاف‌الیه (۲۵/۰۰ نمره) - سَرِيعَةٌ: حال (۲۵/۰۰ نمره)

ج) عَمَى: مبتدا (۲۵/۰۰ نمره) - مُزَارِعٌ: خبر (۲۵/۰۰ نمره) - قَرِیَّةٌ: مجرور بحرف الجر (۲۵/۰۰ نمره) - مَازَنْدَرَان: مضاف‌الیه (۲۵/۰۰ نمره)